

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۲۳ نومبر ۲۰۱۹

(اعلامیه حزب کار ایران- توفان شماره ۲)

بنزین بر آتش خشم مردم

هفت روز پس از نبرد نابرابر با دژ خیماں حاکم

از اعتراضات به افزایش بهای ۳۰۰ درصدی بنزین هفت روز می گذرد. تا کنون بیش از صد کشته به جای گذاشته و هزاران نفر بازداشت شده اند. از تعداد مجروحان اطلاع دقیقی در دست نیست. علی خامنه‌ای رهبر بی کفایت و مستبد جمهوری اسلامی بر ضرورت اجرای مصوبه سران سه قوه تأکید کرد و از مسئولان امنیتی خواست که به وظایف خود عمل کنند و عملاً فرمان سرکوب را بی پرده اعلام داشت. علی خامنه‌ای در مقابل اوج گیری اعتراضات و خطر جدی از سوی مردم جناحهای رژیم را به وحدت برای تشدید سرکوب دعوت کرد و هر نوع عقب نشینی و پس گرفتن افزایش ۳۰۰ درصدی بنزین را مردود اعلام داشت. با ادامه اعتراضات و تعرض رژیم به مردم جان به لب رسیده شعارهای مردم نیز رادیکالیزه گردید و با فریاد "گرانی بهانه است، کل نظام نشانه است!" و مرگ بر خامنه‌ای کلیت ارکان نظام را به نبرد فراخواند. آغاز این حرکت اعتراضی نشان می دهد که جنبش مردم به ویژه پس از سال ۹۶ به اینسو، عمدتاً برپایه معضلات معیشتی آغازیدن گرفت و به سرعت شعله ور شد و بیش از صد شهر به پا خاستند. اعتراضات مردم در تهران - اصفهان - شیراز - تبریز - مشهد - بوشهر - سرپل ذهاب - اندیمشک - ارومیه - قم - گرگان - کازرون - کرمانشاه - بهبهان - کرج - قزوین - ساری - خرم آباد - شهریار - بابل - کنگان - اسلام آباد غرب - بندر ریگ - گجساران - لرستان - نیشابور - قائم شهر - شوش - سلماس - قدس - جاجرود - رشت - یزد - رباط کریم - خمین - سنندج - کامیاران - نیکشهر - سقز - زاهدان - چابهار - مریوان - رودهن - نیکشهر - سقز - چابهار - مریوان - شاه آباد کرمانشاه - ... کلیت دستگاه حاکمه را به وحشت مرگ انداخت. نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی اگر چه ابتداء غافلگیر شد لیکن با فرمان رهبر جنایتکار اسلامی و با بستن اینترنت، تعطیل کردن مدارس و دانشگاه و مسابقات فوتبال و بستن متروها ... فرمان سرکوب خونین "اشرار" را صادر نمود و با قاطعیت تمام و باران گلوله بر پیکر جوانان معترض کنترل فضا را در دست گرفت و "پیروزی بر دشمن داخلی" را اعلام کرد!

روشن است بنزین بر آتش خشم مردم ریختن و سرکوب خونین مردم عاقبت خوشی برای رژیم تبهکار و فاسد جمهوری اسلامی نخواهد داشت، حتی اگر این بار هم جان سالم بدر ببرد باز هم همین مردم محروم و گرسنه و لگدمال شده دوباره به پا خواهند خاست و در صورت رهبری صحیح سیاسی سرانجام رژیم را بر زمین خواهد کوبید.

اعتراضات روزهای اخیر مردم در تهران و سایر شهرهای ایران علیه افزایش سوخت و بی توجهی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به وضعیت معیشتی مردم نشان می‌دهد که فقدان رهبری سیاسی، که چشم انداز روشنی به مردم ارائه دهد، به شدت حس می‌شود و عدم توجه به این امر مهم فرجامی جز تکرار شکستها و تلفات سنگین نخواهد داشت. در این عرصه‌ها حزب ما بارها به اظهار نظر پرداخته و نظریات انحرافی و ضد حزبی و ضد تشکیلاتی گوناگون را که استعداد آنها تنها در خرابکاری در جنبش است، زیر سؤال برده است:

نخست این که متأسفانه هستند سازمان‌ها، احزاب و نیروهائی که به جای طرح مسأله رهبری حزبی و سیاسی جنبش‌های خودجوش و ضرورت عاجل آن، خود به دامن این جنبش‌ها می‌افتند و برآند و یا حتی کوشش واهی و بیهوده می‌ورزند که این جنبش‌ها یا خودبه‌خود به پیروزی نایل آیند و یا آن که از درون آنان بدون وجود رهبری، یک بدیل انقلابی بیرون آید. در درون جنبش کارگری این وظیفه را اکونومیست‌های قدیم و جدید به عهده گرفته‌اند. در جنبش‌های خودبه‌خودی اگر کمونیست‌ها قادر نباشند رهبری را به دست بگیرند و با تکیه به ایدئولوژی سوسیالیسم، آنها را به هدف مطلوب برسانند، این جنبش‌ها تحت تأثیر افکار حاکم بورژوائی به انحراف، سازش و یا شکست کشانده می‌شوند. رهبری کمونیستی به تئوری انقلابی نیاز دارد و این تئوری چیزی نخواهد بود به جز سوسیالیسم. تئوری این حامان دروغین طبقه کارگر این است که توده طبقه کارگر خودش خودش را آزاد می‌کند و نیازی به قیم و حزب ندارد!!

این امر که توده عظیم زحمتکشان بدون آگاهی به فن مبارزه سیاسی و قانونمندی‌های تکامل جامعه و مبارزه، خودبه‌خود به مارکسیسم دست بیابند، تنها می‌تواند از ناآگاهی و بی‌خبری این نیروهای منحرف «چپ» سرچشمه گیرد و یا ناشی از عدم آموزش از تجربه بیش از صد سال مبارزه زحمتکشان و کارگران و توده‌های انقلابی مردم تحت ستم باشد، که هرگونه جریان‌ات انحرافی آنتی آتوریته، اکونومیسم و غیره را پس از سال‌ها تجربه‌های تلخ از سر راه خویش برداشته‌اند.

جز این نیست که تمام جنبش‌ها (از مبارزه دانشجویان دانشگاه در ۱۸ تا ۲۳ تیر [سرطان] سال ۱۳۷۸ گرفته، تا جنبش به اصطلاح «سبز» در خرداد ماه [جوزا] سال ۱۳۸۸ و خیزش دیماه [جدی] ۹۶ گذشته و همه تظاهرات گوناگون کارگری، آموزگاران، اتوبوس‌رانان، نیشکر هفت تپه ...) تنها قادر گشتند نارضایتی مردم گوناگون و عاصی‌بودن آنان را به صحنه عمل آورند و تغییرات عمدتاً به سود این یا آن جناح و کمتر به نفع توده‌ها صورت پذیرفت. به بیان روشنتر مگر غیر از آن است که پیروزی‌های مردم بسیار ناچیز و پیشرفت مبارزات به سود مردم محدود بوده است؟ وجود عنصر آگاه کمونیستی و نقش رهبری، اگر نتواند معجزه‌ای انجام دهد، حداقل قادر خواهد بود که مبارزه مردم را تکامل دهد و آگاهی سوسیالیستی و دانش مبارزه را از لایه لایه کُتب و تجربه‌های بی‌شمار جنبش، به میان مردم، مبارزان و به‌ویژه کارگران بیاورد.

دوم این که اگر برای هر عمل اجتماعی احتیاج به فن و دانش خاص آن عمل است و بدون دسترسی به آن انسان ناچار است تجربه چندین هزار ساله بشری را از نو بیازماید، برای کار سیاسی نیز محتاج آموختن دانش سیاسی هستیم. هر نجاری به فن نجاری وارد است و گر نه ناچار است آن را فراگیرد. در سیاست، در انقلاب نیز ما محتاج دانش سیاسی و انقلابی هستیم. محتاج به فراگرفتن مارکسیسم - لنینیسم هستیم و این امر، کسب دانش است که ناچار طبقه کارگر آن را از خارج از جنبش خودبه‌خودی طبقه کارگر به درون جنبش وارد می‌کند. تئوری مارکسیسم و سوسیالیسم که یک عنصر ناآشنا و غریبه برای توده‌های وسیع زحمتکشان و به ویژه پرولتاریاست، می‌باید از سوی عناصر آگاه و پیشرو کمونیست متشکل در حزب کمونیست، به درون طبقه کارگر، زحمتکشان و سیاست‌های صحیح ناشی از آن به درون

این جنبش‌های خودبه‌خودی انتقال یابد. برخی‌ها وحدت «تئوری و عمل»، وحدت دانش مارکسیسم و یا تئوری انقلابی را با جنبش‌های خودجوش به مثابه توهین به مردم و به عنوان دخالت در کار و راه آنان معرفی می‌کنند.

اینان که به تقدس جنبش‌های خودبه‌خودی و عدم دخالت و رسوخ تئوری سوسیالیسم در آنها، این چنین پای‌بند اند و آن را تبلیغ می‌کنند، چرا پاسخ تجربه‌های تاریخی و شکست‌های متعدد این راه را نمی‌دهند؟ چرا عاجزاند از این که بگویند تئوری تقدیس و استقلال جنبش‌های خودبه‌خودی نیز از آن پرولتاریا نیست، بلکه از خارج و از طریق آنان و دیگر تئوریسین‌های شبیه‌شان وارد آن گشته است؟ شاید بر این باورند که در اثر معجزه‌ی تئوری این حضرات، که ناشی از «ارادمگرایی» آنان است، تمام قوانین معتبر عینی مبارزه اجتماعی را نفی کند و بیراهه آنان به جای روال عینی تکامل بنشیند. لنین می‌گوید: «بدون تئوری انقلابی، نهضت انقلابی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد... نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی می‌تواند ایفاء کند که دارای تئوری پیشرو باشد».

نمی‌توان امیدی چندان برای پیروزی بر دشمن و به دست‌آوردن قدرت سیاسی (انقلاب) داشت، چنانچه قادر نباشیم حداقل فنون و قوانین مبارزه طبقاتی و سیاسی را بیاموزیم و آنان را به کار بندیم.

بر اساس این تجارب باید ترویج و تبلیغ کرد که طبقه کارگر به وحدت و تشکیلات نیاز دارد تا بتواند جنبش اعتراضی مردم را رهبری کند و به سرمنزل مقصود برساند. حزب کار ایران (توفان) این وظیفه کمونیستی را در دستور کار خویش قرار داده است و بی حزبی و سرفروداوردن در قبال اعتراضات خودجوش و بی‌دورنما را نه تنها راه حل خروج از بحران کنونی نمی‌داند، بل دنباله‌روی از بورژوازی و شکست و بن‌بست سیاسی و به زیان منافع کارگران و زحمتکشان ارزیابی می‌کند.

در شرایط بحرانی کنونی که مردم ایران با فقدان رهبری سیاسی و با دو عفریت داخلی و خارجی روبه رو هستند، وظیفه سنگینی بر دوش حزب ما قرار دارد که ضمن تبلیغ حزبیّت و تشکیلات، کلیه نیروها و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های ملی و انقلابی را، که خواهان سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی به‌دست مردم ایران هستند و علیه مداخلات امپریالیستی و صهیونیستی موضع شفاف و روشنی دارند، به همکاری سیاسی و اتحاد و یگانگی دعوت می‌کند. شکل‌گیری چنین همکاری سیاسی و دمکراتیک در شرایط کنونی نویدبخش است و تأثیر مثبتی بر جنبش خواهد گذاشت. راه دیگری متصور نیست.

پنجشنبه ۳۰ آبان [عقرب] ۱۳۹۸

به کانال تلگرام توفان بپیوندید

<https://t.me/totoufan>

کانال رسمی تلگرام وابسته به حزب کار ایران – توفان